



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نکوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخهء تفسیر توراہ ربای خیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توراہ، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنرا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونهء زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند." - ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توراہ

The Danger of Suspicion

Matot, Masei

متوت، معسی: خطر مظنون بودن

این داستانی است جذاب که از آن اصول مهم یهودیت برمی خیزند. دو قبیله، رئوون و گاد، می بینند که زمین های شرق رود اردن بسیار مناسب چراگاه برای گله ها و دام های فراوان آنها هستند. آنها نزد موسی می روند و از او اجازه می خواهند تا به جای عبور از رود اردن، همانجا ساکن شوند. موسی می گوید این کار روحیه ی باقی قوم را ضعیف می کند: "آیا همکیشان شما به جنگ بروند و شما اینجا ساکن شوید؟" مگر آنها چیزی از ماجرای گناه جاسوسان نیاموخته اند که با رفتار خود روحیه ی دیگران را خراب کردند و کل یک نسل را چهل سال محکوم به سرگردانی در بیابان ساختند؟

افراد قبیله های رئوون و گاد منظور موسی را فهمیدند. آنها توضیح دادند که نمی خواهند خود را از جنگ برادران دیگر خود در قوم بنی اسرائیل معاف کنند. آنها یکسره آماده ی همراهی آنها به داخل سرزمین موعود و جنگیدن دوشادوش آنها هستند: "بازنخواهیم گشت تا زمانی که کل آحاد بنی اسرائیل ارث خود را دریافت کرده باشند."

موسی آنها را وامی دارد که نزد همگان در این زمینه سوگند بخورند و تضمین کنند که تنها در صورت اجرای این عهد به خواست خود خواهند رسید: "وقتی که سرزمین در پیشگاه الهی تسخیر شود، می توانید بازگردید و در پیشگاه خدا و ایسرائل دیگر گناهی نخواهید داشت و این سرزمین در مالکیت دائم شما در برابر خدا خواهد بود."

این عبارت که "در پیشگاه خدا و ایسرائل دیگر گناهی نخواهید داشت" طی زمان به ضرب المثلی اخلاقی در یهودیت تبدیل شد. تنها کافی نیست که کارهای ما در نظر خدا درست باشند. باید به گونه ای رفتار کرد که در چشم هموعان خود نیز درست عمل کرده باشیم. فرد باید فراتر از هر گونه ظن و مظنون بودن باشد. این است معنای قاعده‌ی *veheyitem neki'im* "در پیشگاه خدا و ایسرائل دیگر گناهی نخواهید داشت."

این امر چگونه در قانون و زندگی یهودی بازتاب یافت؟ میشنا در رساله‌ی شکالیم از سه دوره در سال یاد می کند که هدیه های مردم که در خزانه‌ی معبد گردآمده بودند، به امور اختصاص داده می شدند. میشنا می گوید: "کسی که تخصیص را انجام می داد، با لباس حاشیه دوزی شده یا کفش و تفیلین یا نشانه ای وارد خزانه نمی شد تا اگر پس از آن فقیر می شد، مردم نگویند که او فقیر شد چون در خزانه مرتکب گناهی شد؛ یا اگر ثروتمند می شد، مردم نگویند که او هنگام تخصیص هدیه های خزانه به ثروت رسید - زیرا ما باید از سرزنش و ظن مبرا باشیم، چنانکه گفته شده باید "در پیشگاه خدا و ایسرائل دیگر گناهی نداشته باشید".

به همین ترتیب، توسفتا می گوید: "وقتی کسی داخل می رود تا هدیه ای را از خزانه بیرون بیاورد، قبل از ورود و هنگام خروج او را می گردند و از زمانی که وارد می شود با او حرف می زنند تا وقتی که خارج گردد."

نه تنها نباید هنگام خارج کردن سکه ها از خزانه‌ی معبد هیچ خطایی انجام شود، بلکه حتی ظنِ خطا کاری نیز نباید در میان باشد. از این روی، کسی که پول جمع می کند نباید هیچ لباسی بپوشد که بتوان در آن سکه پنهان کرد. باید پیش و پس از ورود او را بگردند و حتی او را به حرف بگیرند تا وسوسه نشود که پنهانی سکه ای در دهان خود بگذارد.

دو آموزه‌ی تلمودی از دوران معبد دوم از خانواده های مشهوری سخن می گویند که در معبد نقش داشتند و چه کارهایی کردند تا خود را از ظن دور نگه دارند. خانواده‌ی گارمو متخصص آماده کردن نان مخصوص مراسم بودند. در مورد آنها گفته شده که "از آنها با احترام فراوان یاد می شد، زیرا نان مرغوبی که می پختند در خانه‌ی فرزندان خودشان یافت نمی شد، مبدا گفته شود که آنها از پختن نان مراسم استفاده‌ی شخصی می برند." همچنین خانواده‌ی آوتیناس متخصص ساختن عود برای معبد بودند. آنها نیز بسیار مورد احترام بودند، زیرا "هرگز عروسی از خانواده‌ی

آنها عطر نمی زد و وقتی از جای دیگری زنی را به همسری می گرفتند، تعهد می گرفتند که عطرزده بیرون نرود، مبادا مردم بگویند که آنها از عود آماده شده برای معبد خود را عطر ساخته اند."

اصل کلی در تلمود یروشلمی بیان شده است:

ربی شموئل بر نحمان از قول ربی یوناتان گفت: در پنج کتاب موسی، کتب انبیاء و کاتبان گفته می شود که فرد باید همان گونه که نزد خدا به تعهداتش عمل می کند، نزد انسان ها نیز چنین کند. کجا در پنج کتاب موسی؟ در آیهی "در پیشگاه خدا و اسرائیل دیگر گناهی نخواهید داشت". کجا در کتب انبیاء؟ در این عبارت: "خداوند متعال می داند و اسرائیل نیز باید بداند". کجا در کاتبان؟ در آیهی "باید در چشمان خدا و انسان ها عزیز و محترم شوید". گملیئل زوگا از ربی یوسی بر اوون پرسید که کدام آیه این نکته را روشنتر از همه می گوید؟ او پاسخ داد: "باید در پیشگاه خدا و اسرائیل دیگر گناهی نداشته باشید".

این ملاحظه پایه‌ی دو اصل هلاخا شد. اولی با نام *chashad* شناخته شده به معنای ظن، یعنی برخی اعمال که به خودی خود مجاز هستند، در پیش زمینه‌هایی که اجرای آنها می تواند ظن انجام عمل ممنوع را برانگیزد، جایز نیست. از این روی، برای نمونه، ربی شیمون بریوحای معتقد بود که تورات به دلیل ظن می خواهد که حاشیه‌ی کشتزارها درو نشده برای استفاده‌ی تهیدستان باقی بماند (پنا). اگر صاحب کشتزار در ابتدا یا وسط آن بخشی را درو نشده باقی می گذاشت، تهیدستان می آمدند و سهم خود را پیش از پایان درو برمی داشتند و آنگاه رهگذری ممکن بود فکر کند که صاحب زمین از اول برای تهیدستان سهمی باقی نگذاشته بود.

حکیمان تلمودی به همین ترتیب دستور دادند که اگر خانه‌ای دو در در دو سو دارد، شمع‌های حنوکا باید در هر دو سو روشن شوند مبادا رهگذری ببیند که یک طرف شمع روشن شده و طرف دیگر نشده و نتیجه بگیرد که صاحب خانه دستور را اجرا نکرده است.

یک اصل هلاخایی که ربط نزدیکی با این مفهوم دارد، *marit ha-ayin* یا ظواهر نام دارد. برای نمونه، پیش از آنکه جایگزین‌های شیر، رایج شوند، نوشیدن فراورده‌های شبیه شیر مایع ((مانند شیر بادام) همراه گوشت ممنوع بود، مبادا دیگران فکر کنند شیر واقعی است. همچنین در شبات آویزان کردن لباس‌های خیس برای خشک شدن ممنوع است (مثلاً لباسی که در آب افتاده و خیس شده باشد)، مبادا مردم فکر کنند که کسی روز شبات لباس شسته است. در کل، فرد نباید کارهای بکنند که به خودی خود مجازند، اما ممکن است بد تعبیر شوند.

ارتباط یا تضاد میان این اصول در ادبیات تلمودی مورد جدل قرار گرفته اند. برخی *chashad* و *marit ha-ayin* را بسیار شبیه هم و حتی نام های متفاوت برای یک پدیده دانسته اند. اما دیگران آنها را متفاوت و حتی متضاد دیده اند. *Chashad* وقتی است که مردم ممکن است فکر کنند که شما کاری ممنوع انجام داده اید و به شما به دیده بد بنگرند. *marit ha-ayin* مواردی را شامل می شود که مردم با آنکه می دانند شما فردی نیستید که کاری ممنوع را انجام دهید، اما این نتیجه ی غلط را می گیرند که چون شما کار الف را انجام می دهید، پس کار ب نیز مجاز می شود، چون کار الف را به راحتی می توان با کار ب اشتباه گرفت. پس با انجام مثال بالا مردم فکر می کنند شستن لباس مجاز است، در حالی که نیست.

این ملاحظه ی ظواهر ابتدا عجیب می نماید. بی تردید، آنچه مهم است فکر خدا در مورد ماست، نه فکر مردم درباره ی ما. تلمود، داستان رویارویی تکان دهنده ای میان ربان یوحانان بن زکای در حال مرگ و شاگردانش را بازگو می کند:

شاگردانش به او می گویند: ربنو ما را برکت کن. او به آنان می گوید: خواست خدا باشد که ترس از آسمان ها برای شما مهمتر باشد از ترس از انسان ها (نظر انسان ها). آنها گفتند: فقط همین؟ او گفت: این که شما بتوانید به چنان سطحی برسید. خواهید دید که چقدر سخت است، زیرا وقتی کسی بخواهد گناهی مرتکب شود به خود می گوید که امیدوارم کسی مرا نبیند [یعنی ترس او بیشتر از انسان هاست و کمتر از خدا].

افزون بر این، ممنوع است که به مردم، ظنِ خطاکاری داشته باشیم. حکیمان تلمودی گفته اند: "کسی که به فرد بیگناهی مظنون می شود، به مجازات جسمانی دچار می شود. و" فرد همیشه باید دیگران را با شایستگی های آنها قضاوت کند." پس چرا اگر مشاهده کننده باید قضاوت سنگین نکند، ما که مشاهده می شویم باید موظف به رفتار فراتر از ظن دیگران باشیم؟

پاسخ این است که ما اجازه نداریم امید ببندیم به این که دیگران با مرحمت روی ما قضاوت کنند، حتی اگر آنها چنین نیز بکنند. راشی پیرامون زندگی موسی کلامی هشیارکننده دارد:

اگر او خیمه ی خود را زودتر ترک می کرد، مردم می گفتند که با همسر خود اختلاف دارد. اگر دیرتر ترک می کرد، می گفتند که او دارد علیه ما نقشه های شرورانه می کشد.

حتی موسی که زندگی خود را با فداکاری تمام وقف بنی اسرائیل کرد، از ظن و شک آنها برکنار نبود. ربی مشه سوفر حتی فراتر رفته می گوید که موسی در سراسر زندگی خود به خاطر این دستور که "باید در پیشگاه خدا و اسرائیل دیگر گناهی نداشته باشید"، دچار عذاب بود، و می افزاید که بسیار آسانتر است که بخش اول دستور را انجام دهیم (در چشمان خدا) تا بخش دوم (در چشمان اسرائیل). در واقع او فکر می کرد آیا کسی می تواند کل آنرا اجرا کند؟ شاید جامعه‌ی سلیمان همین معنا را در نظر دارد وقتی می گوید: "هیچ فرد راستواری در زمین نیست که فقط کارهای درست انجام دهد و هیچگاه گناه نکند."

اما ایده ای عمیق در مفهوم *veheyitem neki'im* "باید بیگناه باشی" نهفته است. راوا، حکیم تلمودی، کسانی را سرزنش می کرد که در برابر تورات از جا برمی خیزند، اما از جلوی پای حکیم تورات نمی ایستند. یهودی بودن یعنی پاسخ به این فراخوان که یک سفر تورات زنده باشیم.

مردم نه فقط از کتاب ها، بلکه همچنین شاید حتی بیشتر از مردمی که دیدار می کنند، می آموزند. متخصصان تعلیم و تربیت یهودی در کنار متن/کتاب ها از "انسان/متن ها" سخن می گویند. یعنی ما باید هم معلم ها و هم سرمشق هایی زنده باشیم. به این دلیل ربی اکیوا اغلب به دنبال ربی یهوشوع می رفت تا ببیند او در زندگی خصوصی چگونه رفتار می کرد و می گفت که "این نیز بخشی از تورا است و من باید آنرا بیاموزم". دو اصل دوقلوی *chashad* و *marit ha-ayin* می گویند که باید به گونه ای رفتار کنیم که سرمشق دیگران بشویم (از راه ورای ظن دیگران بودن در قاعده‌ی *chashad*) و درست مانند یک کتاب راهنما که باید روشن و بدون ابهام باشد، ما نیز چنین باشیم. از راه موجب بدفهمی دیگران نشویم — قاعده‌ی *marit ha-ayin*). مردم باید رفتار ما را ببینند و از روی آن به چگونه زیستن یک یهودی پی ببرند.

این که این قواعد باید از سوی همه‌ی آحاد اسرائیل و نه فقط حخامیم رعایت شود، شاهدهی گویا است به مساوات خواهی روحانی در هلاخا، هر یک از ما باید یک سرمشق باشد. این نیز که با وجود آنکه ما باید از ظن نسبت به خطاکاری دیگران پرهیز کنیم، چنین قواعدی وجود دارند، به ما چیز دیگری در مورد یهودیت می گویند: این که یهودیت سیستمی است از وظایف و نه فقط حقوق. ما مجاز نیستیم وقتی کاری ظن برانگیز کرده ایم، بگوییم: "من هیچ کار خطایی نکرده ام؛ برعکس، آن فرد دیگر با شک کردن به من خطا کرده است." بی تردید، او خطا کرده،

اما این چیزی از مسئولیت ما برای فراتر از ظن بودن، نمی‌کاهد. هر یک از ما باید سهم خود در ساختن جامعه‌ای استوار بر احترام متقابل را ایفا کند.

این ما را بازمی‌گرداند به جایی که از آن آغاز کرده بودیم: درخواست قبایل رثوون و گاد برای اسکان در شرق رود اردن. به یاد می‌آوریم که موسی درخواست آنها را به شرطی پذیرفت که ابتدا آنها به دیگر قبایل در جنگ بیوندند. آنها چنین می‌کنند. سال‌ها بعد، یهوشوع آنها را فراخواند و گفت که به وعده‌ی خود عمل کرده‌اند و اینک شایسته‌ی بازگشت به مکانی هستند که خانه‌های خود را ساخته بودند (یهوشوع ۲۲).

اما به گونه‌ای حیرت‌انگیزی ظن، دوباره برانگیخته شد؛ این بار به دلیلی بس متفاوت: این که آنها در قلمرو خود قربانگاهی ساخته بودند. قبایل دیگر مظنون بودند که آنها ایمان خود از خدای اسرائیل را از دست داده و محراب خاص خود را ساخته بودند. اسرائیل در لبه‌ی پرتگاه جنگ داخلی بود. ظن، بی‌پایه بود. افراد قبایل رثوون و گاد توضیح دادند که قربانگاهی که ساخته بودند، قرار نبود به نیایشگاه تبدیل شود و بیشتر نشانی بود از این که آنها بخشی از ملت اسرائیل بودند - تضمینی برای این امکان که روزی پس از چندین نسل، قبایلی که در غرب رود اردن و سرزمین اصلی اسرائیل می‌زیستند، رثوونی‌ها و گادی‌ها را چون آن سوی رودخانه بودند، غریبه ندانند:

به این دلیل گفتیم "بیاییم و قربانگاهی بسازیم - اما نه برای پیشکش‌های سوختنی و قربانی‌ها. بلکه برعکس برای آنکه شاهده‌ی باشد میان ما و شما و نسل‌های بعدی که ما در میشکان با قربانی‌های سوختنی، قربانی‌ها و دیگر فدی‌ه‌ها خدای متعال را می‌پرستیم. سپس در آینده فرزندان شما به ما نخواهند گفت: "شما هیچ سهمی نزد خدا ندارید." و ما گفتیم: "اگر روزی چنین بگویند به فرزندان ما چنین پاسخ خواهیم داد: نگاه کنید به نمونه‌ی دوم محرابی که پدران ما ساختند، نه برای پیشکش‌های سوختنی و قربانی‌ها، بلکه همچون شاهده‌ی میان ما و شما."

خطر جنگ داخلی برطرف شد.

ظن یک عامل منحرف‌کننده‌ی زندگی اجتماعی و به شدت ویرانگر است: یهودیت که یک پروژه‌ی مرکزی آن ساختن جامعه‌ای پرشفقت و استوار بر عدالت، مسئولیت متقابل و اعتماد است، این دشواری را از دو جهت برطرف می‌سازد. از یک سو به ما دستور می‌دهد که به دیگران مظنون نباشیم و آنها را با رحمت قضاوت کنیم و به آنها

امکان دوباره برای اثبات خود بدهیم. از سوی دیگر، از هر یک از ما می خواهد که فراسوی ظن عمل کنیم و به قول حخامیم "از هر چیز که شبیه کار نادرست است یا اندکی آنرا به یاد می آورد، خودداری کنیم."

بیگناه بودن در پیشگاه خدا یک چیز است؛ بیگناه بودن در چشمان هممنوعان، چیز دیگری که بس دشوارتر است. اما این یک چالش است، نه از آن روی که ما به این کار فراخوانده شده ایم تا مورد تأیید قرار بگیریم، بلکه چون باید سرمشق، نمونه، تجسم زنده‌ی توراها باشیم و چون فراخوانده شده ایم که در زندگی یهودی، وصل دهنده باشیم و نه جداکننده. به قول خاتم سفر ما همیشه موفق نخواهیم شد. با وجود بهترین تلاش های خود، دیگران ممکن است هنوز ما را متهم به چیزهایی کنند که در آنها یکسره بیگناه هستیم (چنانکه موسی را متهم کردند). با این حال باید بهترین کوشش خود را بکنیم تا در قضاوت های خود از دیگران عادل باشیم و در رفتارهای خود بسیار دقت کنیم.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org

[f](#) [t](#) [@](#) [v](#) @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved